فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۴)، تابستان ۱۴۰۲
شاپای چاپی ۲۳۲۲-۲۱۳۱ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
مقاله پژوهشی صفحات ۶۲-۴۵ **DOR:** 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2

اثرات آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای بر ایجاد کسب و کارهای خانگی زنان روستایی(مورد: شهرستان دامغان)

عبدالنظام جعفری [*]؛ دکترای اقتصاد، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشگاه افسری امام علی(ع)، تهران، ایران.
قاسم پروری‌نژاد: استادیار گروه علوم اقتصادی، واحد مهدی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مهدی‌شهر، ایران.
سمیرا خلیل‌نژادی: کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، واحد مهدی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مهدی‌شهر، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

چکیده

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. در این راستا ارائه آموزش‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی خصوصاً در بخش مشاغل خانگی و تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی با استفاده از ظرفیت‌های موجود نقشی کلیدی را ایفا می‌نماید که در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و رفع ناپایداری آن‌ها، سال‌های زیادی است که در کانون توجه تصمیم‌سازان و دولت‌های مختلف قرار دارد و از این منظر به عنوان چالش نظام برنامه‌ریزی در مناطق روستایی به آن پرداخته شده است. برنامه‌های بازآفرینی روستایی به صورت مشخص در زمینه توانمندسازی جامعه هدف، آموزش و بالا بردن سطح آگاهی عمومی، مشارکت‌جویی مردم در برنامه‌های اصلاحی و بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و خدماتی به صورت پررنگ وارد شده است. این پژوهش به طور کلی به بررسی اثر آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای بر خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی توسط بانوان روستایی و محلات کم برخوردار شهرستان دامغان می‌پردازد. پس از بررسی چارچوب نظری و پیشینه پژوهش اقدام به طراحی پرسشنامه برای سنجش متغیرها و توزیع آن بین نمونه‌های جامعه هدف توزیع و در نهایت تعداد ۱۴۶ پرسشنامه گردید. با توجه به پیمایشی بودن روش تحقیق، اقدام به بررسی پایایی پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم-افزار SPSS گردید. نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش‌های مهارتی بر راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی بانوان تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

واژگان کلیدی: **کسب و کارهای خانگی، آموزش‌های مهارتی، اقتصاد روستایی، زنان روستایی، دامغان.**

[*] njafari@semnan.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

۱) مقدمه

تحولات و دگرگونی‌های نظام اجتماعی - اقتصادی عصر حاضر ناشی از پیشرفت شگرف علمی و تکنولوژیک است که به نوبه خود به دیدگاه‌ها و نیازهای جدید منجر شده است. از این رو تداوم حیات و بقاء جوامع نیازمند ارائه راه‌ها و روش‌های جدید به منظور مقابله با مشکلات است. به همین دلیل کارآفرینی، نوآوری، ابداع، تولید محصولات جدید، فرآیندها و روش‌های نو بیش از پیش ضرورت دارد(Karimi et al., 2016: 4). کارآفرینی یک رفتار است. رفتاری که مبتنی بر قصد و اراده آگاهانه است (باقرصاد و همکاران، ۱۴۰۱). در فرآیند تغییرات سریعی که به واسطه تکنولوژی‌های ارتباط در بستر اقتصاد مبتنی بر دانش ایجاد شده است، تفکر سنتی قدرت بازو، جای خود را به قدرت فکر و دانش داده است. مدیریت فکری انسان بیش از هر زمان دیگر از ارزش برخوردار شده است به گونه‌ای که در برخی نظریه‌های دانشمندان، به این دوره زمانی " عصرکارآفرینی" اطلاق شده است(جوادیان و همکاران، ۱۳۹۳).

بیشتر بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که کارآفرینی و یا دست کم بخش‌های مشخصی از آن، قابل آموزش و فراگیری بوده و به همین دلیل آموزش می‌تواند به عنوان یک وسیله کلیدی برای بهبود پیامدهای کارآفرینی مانند نگرش، قصد و صلاحیت‌های کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد(Martin et al., 2013: 11).

امروزه در اغلب کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است و در برنامه‌ریزی توسعه کشورها نقشی راهبردی ایفا می‌نماید. یونسکو درباره اهمیت این موضوع توضیح می‌دهد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یک شرط لازم برای نگهداری ساختار پیچیده توسعه اجتماعی، اقتصادی و مدنی مدرن به شمار می‌رود. در ایران نیز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از راهکارها و ابزارهای مهم در توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و فراهم آوردن نیروی انسانی لازم برای بخش‌های مختلف و در سطوح متفاوت تخصصی است و در حال حاضر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یگانه متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی در کشور، در دو بخش دولتی و غیردولتی در جهت ارائه مهارت‌های حرفه‌ای به جوانان علاقمند و جویای کار و شاغلین، فعالیت آموزشی دارد (دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲).

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی کرد. در جهت این پویایی بی‌تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیری مستقیم در توسعه جامعه دارند. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می‌شود. یکی از زمینه‌های مهم فعالیت اقتصادی زنان مشاغل خانگی می‌باشد. مشاغل خانگی به عنوان نوعی کسب و کار که با عضویت اعضاء خانواده در فضای مسکونی و در قالب یک طرح کسب و کار مجاز، بدون مزاحمت و ایجاد اخلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می‌گیرد، تعریف می‌شود و به عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان بویژه برای زنان به شمار می‌رود (آگهی و همکاران، ۱۳۹۳).

از منابع حیاتی توسعه می‌توان به آموزش اشاره نمود که به جهت توانمندسازی انسان‌ها باید در دسترس آنها قرار گیرد. در عصر حاضر، جوامع برای ورود به چالش‌های آینده از موثرترین ابزار خود که همان آموزش است استفاده می‌کنند و اصولاً آموزش برای تمامی آن‌ها پذیرفته شده است که در پرتو آن، دنیای فردا شکل خواهد گرفت. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند. در این راستا ارائه آموزش‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه بانوان خصوصاً در بخش مشاغل خانگی و تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی با استفاده از ظرفیت‌های موجود نقشی کلیدی را ایفا می‌نماید.

سازماندهی در این مقاله به این شکل است که پس از مقدمه، ادبیات نظری و پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و سپس به چگونگی روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات پرداخته می‌شود. در ادامه یافته‌های تحقیق مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در بخش آخر نیز ضمن نتیجه‌گیری کلی از تحقیق، پیشنهادات سیاستی مبتنی بر نتایج تحقیق ارائه می‌گردد.

۲) مبانی نظری

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم این آموزش به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت تا آنجا که توسعه برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، از اهداف ملی بیشتر کشورها در راستای توسعه هر چه بیشتر توسعه اقتصادی قرار گرفت و امروزه یکی از شاخص‌های موفقیت هر کشوری، توسعه آن در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات محسوب می‌شود. توسعه این سه بخش نیازمند تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای است به همین دلیل، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت فزاینده‌ای یافته است (خواجه و همکاران، ۱۳۹۱). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انجام فعالیت‌هایی است که فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می‌کند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش می‌دهد. این آموزش‌ها کسب مهارت‌ها را در زمینه فناوری تکنولوژی و علوم وابسته به همراه دانش‌های خاص مربوط به مشاغل بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهند. گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای گوناگون، با هدف افزایش مهارت و توانایی افراد در جهت ایجاد اشتغال و درآمد شکل‌گرفته است که می‌تواند سهم قابل توجهی در توسعه اقتصادی روستاها به همراه داشته باشد. (خالدی و رفعتی،۱۳۹۱). آموزش فنی و حرفه‌ای موجود سرمایه اختصاصی است که به اتکای مهارت‌های کسب شده دارندگان آن را برای بدست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث گردیده است که بیشتر کشورهای جهان حتی در سیستم‌های تعلیم و تربیت آن‌ها از دیرباز و در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای نیز مورد نظر واقع گردند (مقصودی، ۱۳۹۳). کارآفرینی از جمله فعالیت‌هایی است می‌تواند منجر به کم‌رنگ‌تر شدن چالش‌های عمده همچون بیکاری، درآمد کم، و فقدان تنوع اقتصادی در مناطق روستایی گردد. لذا آموزش به ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به ساکنان روستاها وسیله‌ای موثر در رفع نیازمندی‌های اقتصادی روستاهاست.کشورهای زیادی این آموزش‌ها را بخشی از سیستم آموزش مدرسه‌ای رسمی خود کرده‌اند. آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح متوسط اهداف بی‌شمار دارد. این اهداف شامل آموزش مهارت‌های محدود برای تربیت افرادی با مهارت‌های شغلی برای کار در شغل‌های خاص با دسته‌ای از شغل‌ها تا بالا بردن سطح آموزش عمومی می‌باشد (Mupinga et al. 2005: 7). کارآفرینی زنان در بسیاری از کشورها از جمله ایران با موانع و مشکلات بسیاری روبرو است که سهم بالایی از مشکلات مزبور به مرد محور بودن برنامه‌ریزی‌ها و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

استراتژی‌ها مرتبط می‌باشد. از این‌رو تشویق روستاییان به فعالیت‌های کارآفرینی و انجام برنامه‌ریزی به منظور ارائه فرصت مناسب به زنان در بهره‌گیری عادلانه از فرصت‌های آموزشی در روستاها می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای مناسب برای از بین بردن مشکلات اجتماعی و اقتصادی روستاییان تلقی گردد. بنابراین مرتبط کردن آموزش فنی و حرفه‌ای با دنیای کار موجب کاهش میزان بیکاری در بین جامعه زنان روستایی می گردد(تقی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان منطبق ساختن هرچه بیشتر آموزش با نیازهای اقتصادی ضروری است چرا که نتیجه ارتباط بین مباحث آموزشی و نیازهای اقتصادی و اجتماعی هر جامعه، تربیت نیروی انسانی کارآمد می‌باشد. چنانچه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، هنرجویان دوره دیده‌ای داشته باشد که جایگاه روشن و مشخصی در بازار کار و نظام اشتغال نداشته باشند، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های شخصی و دولتی به بازدهی مطلوب منجر نمی‌شود و به نوعی به اتلاف سرمایه تبدیل می‌گردد. بنابراین با توجه به گرانی هزینه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و برای جلوگیری از خسارت‌های مادی و معنوی لازم است که چگونگی رابطه این‌گونه آموزش‌ها و اشتغال افراد مهارت دیده مورد بررسی قرار گیرد (مقصودی،۱۳۹۳).

کسب و کارهای خانگی

اگر چه مفهم کسب و کارهای خانگی قدمت دیرینه‌ای دارد اما در مورد تعریف آن هنوز اتفاق نظر کلی وجود ندارد. نقطه مشترک در تاکید بر خانه به عنوان محل اصلی و عمده کسب و کار می‌باشد. به طوری که تیپل* (۲۰۰۶) معتقد است به کسب و کارهایی می‌توان عنوان خانگی اطلاق کرد که صرف نظر از اندازه و نوع آنها محل کار اصلیشان در خانه واقع باشد. اما نقطه تمایز و ابهام در تفاوتی است که میان کارکنان خانگی و کارآفرینان خانگی وجود دارد. به این ترتیب مشخص نیست که بین فعالیت‌های افرادی که در استخدام و قرارداد یک شرکت یا موسسه مستقل بیرونی بوده اما دفتر کار و محل انجام وظایف آنها در خانه است با فعالیت‌های افرادی که در استخدام هیچ سازمانی نبوده و به طور مستقل برای ایجاد ارزش افزوده به کارهای تولیدی، خدماتی و فروش می‌پردازند، چه تفاوتی وجود دارد. در برخی تعاریف ارائه شده این دو مفهوم در هم آمیخته و کسب و کار خانگی نامیده شده‌اند. در حالی که کار خانگی مفهوم وسیعی است که صاحبان و اداره کنندگان کسب و کارهای خانگی را نیز شامل می‌شود (نجفی و صفا، ۱۳۹۳). کسب و کارهای خانگی عمدتاً به آن دسته از عملیات تجاری گفته می‌شود که در گام نخست در یک اقامتگاه خصوصی انجام شود و یا در یک بنیاد خانگی متمرکز باشد. کسب و کارهای خانگی معمولاً در بخش کسب و کارهای بسیار کوچک (کسب و کارهای کمتر از پنج کارمند) دسته‌بندی می‌شود. این نوع کسب و کارها همچنین به ویژگی‌های فردی شخص مالک کسب و کار وابستگی زیادی دارد. مالک کسب و کارهای خانگی در هر مورد خاص، نیازها و انگیزه‌های متفاوتی برای اداره کسب و کار خود دارد (امیدی و چهار سوقی، ۱۳۹۷). مشاغل خانگی کارهایی هستند که به وسیله اعضای خانواده در محیط خانه صورت می‌گیرند و مزاحمتی برای همسایگان ایجاد نکنند. در محیط خانه فقط تولید کالا انجام می‌شود و عرضه، فروش و بازاریابی آن به خارج از محیط مسکونی انتقال می‌یابد (علی‌بیگی و تقی‌بیگی، ۱۴۰۱). کسب و کارهای خانگی پدیده جدیدی نیست. می‌توان گفت قدمت این کسب و کارها به ظهور مفهوم خانه و یکجانشینی بر می‌گردد. پس از انقلاب صنعتی به دلیل مرزی که بین کار و خانه کشیده شد، اهمیت آن کاهش یافت اما در نتیجه تغییرات و تحولاتی که در فعالیت‌های اقتصادی – اجتماعی امروز به وجود آمده باعث شد که به این کسب

*. Tipel

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

و کارها بیشتر توجه شود. در عصر حاضر با توجه به اهمیت و ضرورت کسب و کارهای خانگی، انسجام تازه‌ای بین کار و خانه ایجاد شد. این نوع کسب و کارها در حال گسترش هستند. سهم کسب و کارهای خانگی در بین کسب و کارهای جهان ۳۰ درصد است. این کسب و کارها در ایران نیز سابقه دیرینه‌ای دارند. بسیاری از صنایع دستی که امروزه هم وجود دارند در منازل و محل سکونت افراد تولید می‌شده است. در تعریف کسب و کارهای خانگی ابتدا لازم است تفاوت کارکنان خانگی با کارآفرینان خانگی مشخص شود. کارآفرینان خانگی، خود مستقلاً یک فعالیت اقتصادی را راه‌اندازی می‌کنند و درباره تولید و ارائه خدمات و فروش محصولاتشان خودشان تصمیم می‌گیرند درحالی که کارکنان خانگی، نه تنها در استخدام سازمان بیرونی می‌باشند، بلکه تحت کنترل و نظارت آن سازمان هم قرار دارند. تنها تفاوت آن‌ها با کارکنان معمولی این است که محل کارشان در خانه می‌باشد. بر این اساس کسب و کار خانگی را هر نوع فعالیتی که در آن فرد یا افرادی در محل زندگیشان بدون اینکه در استخدام یا مدیریتی دیگری باشند مستقلاً و در جهت ایجاد ارزش افزوده به تولید، ارائه خدمات و فروش می‌پردازند. در جای دیگر کسب و کار خانگی عبارت است از: هر واحد کسب و کاری که در فرآیندهایی چون فروش محصولات و خدمات به بازار فعالیت دارد و توسط یک فرد مستقل یا همراه و یا در غیاب تعدادی نیروی کار اداره می‌شود. لازم به ذکر است که مدیر مالک از منزل مسکونی یا محل سکونت خود جهت اداره امور و اعمال فرآیندهای کاری استفاده می‌نماید (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۵). نوع کسب و کار خانگی به مفهوم درآمدزایی و کسب و کار از طریق انجام فعالیت‌ها در منزل اشاره دارد. بر این اساس که زمینه‌های فعالیت‌های کسب و کار خانگی متعدد است و می‌توان بیش از ۱۰۰۰ تیپ شغلی در این حوزه طراحی کرد که برخی از آن‌ها را می‌توان در قالب تجربه‌های تا حدی موفق در بستر سنتی جامعه یافت مانند رشته‌های هنری، صنایع دستی و صنایع کشاورزی و برخی دیگر را می‌توان در مدل‌های جدید موجود در دنیا یافت و فضای مجازی می‌باشند. از قبیل طراحی صفحات وب و IT مانند رشته‌هایی که در زمینه برنامه‌نویسی یا لوازم الکتریکی است (همان منبع).

تجربه ایران و برخی از کشورهای موفق در حوزه کسب و کار خانگی

در حال حاضر بیش از ۱۵۰ کشور جهان در زمینه مشاغل خانگی فعالیت می‌کنند و اجزای متشکله بسیاری از تولیداتی که به بازار عرضه می‌شود در محیط خانه‌ها صورت می‌گیرد. به طوری که در کشور تایوان با شعار هر خانه، کارخانه و هر کارخانه، خانه است، جهش اقتصادی خود را از کسب و کار خانگی آغاز کرد و ۸۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی این کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم، با این مشاغل در ارتباط است. بررسی نیروی کار در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد در این کشور ۴۳ میلیون نفر به شکل پاره‌وقت و ۱۲ میلیون نفر به طور تمام وقت در خانه فعالیت اقتصادی می‌کنند که در مجموع ۲۰ درصد از شاغلان آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند.

کشور سوئیس که برترین تولیدکننده ساعت در جهان است، بخش عمده فعالیت خود را در زمینه یاد شده از طریق کارگاه‌های خانگی انجام می‌دهد و تولیدکنندگان معروف ساعت وابسته به کارگاه‌های خانگی و کوچک هستند.

کشورهای توسعه‌یافته به دلیل دسترسی گسترده به شبکه اینترنت پرسرعت قادر هستند بخشی از نیروی کار خود را از طریق کار از راه دور یا کار خانگی به کار در منزل از طریق کار با رایانه سوق دهند. خدمات اینترنتی یکی از شایع‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای توسعه یافته است. ایتالیا از جمله کشورهایی است که در زمینه مشاغل خرد در خانه یا کارگاه‌های کوچک گام‌های مثبتی برداشته است و با اجرای سیاست‌های حمایتی از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

صنایع کوچک و خانگی سهم ارزنده خود را در تولید افزایش داده است. خوشبختانه مشاغل خانگی همخوانی بسیار خوبی با هنجارهای فرهنگی ما دارد. در قانون ساماندهی و حمایت از کسب و کار خانگی هر فرد ضمن پرداختن به امور جاری خانواده می‌تواند به تولید محصول یا ارائه خدمت در محیط خانه بپردازد. ساماندهی این مشاغل می‌تواند زمینه مناسبی را برای حمایت از زنان سرپرست خانوار، فارغ‌التحصیلان دارای مهارت فاقد سرمایه و نیز کسانی که مشکلات جسمی و حرکتی دارند ایجاد کند. کسب‌وکارهای خانگی طبق آمار و اطلاعات موجود، در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه سهم قابل ملاحظه‌ای در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده و حتی در صادرات به خود اختصاص داده است.

کشور ایتالیا از دو دهه قبل برای توسعه و صنعتی کردن و کاهش بیکاری در مناطقی که کمتر توسعه یافته بود (مناطق جنوبی که بعدها به ایتالیای سوم موسوم شد) سیاست توسعه و گسترش کسب و کارهای کوچک و خانگی را در پیش گرفت. در مناطق جنوبی ایتالیا بیکاری حتی به بالاتر از نرخ ۲۲ درصد رسید (امامی میبدی، ۱۳۸۳). با توجه به مزیتی که کشور ایتالیا در تولید کفش‌های چرمی دارد سیاست‌های حمایتی خود را در صنایع کوچک و خانگی و به ویژه در بخش تولیدات کفش و کیف‌های چرمی متمرکز کرد. بدین منظور در مناطق و محله‌هایی که جمعیت از تراکم بالایی برخوردار بود واحدهای تولیدی خانگی خود را در قالب خوشه‌های صنعتی تقسیم‌بندی نمود و با تعریف ارتباط واحدهای تولید خانگی در قالب این خوشه‌ها ، توانست نرخ بیکاری را به ۱۲ درصد برساند. در این نواحی که پراتو* نام دارد شبکه‌ای از واسطه‌ها که به ایمپاناتوری معروف هستند، سفارش‌های بین‌المللی را ثبت نموده و این سفارش‌ها را بین تولیدکنندگان محلی تقسیم می‌کنند (مجیدی، ۱۳۸۲). سیاستگذاران این کشور با تقسیم کار بین این واحدها توانسته‌اند هم کارها را تخصصی نمایند و هم تعداد مناطق صنعتی را افزایش دهند. بدین منظور مسئولان این کشور شرکت‌های بزرگ صنعتی را به افزایش حجم همکاری و توسعه پیمان کار با صنایع کوچک و خانگی ترغیب کردند. دولت همچنین امتیازات مالیاتی برای آن دسته از واحدهای تولیدی کوچک و خانگی که قابلیت صد در صد صادرات تولیدات خود را برای سه سال متوالی حفظ کنند در نظر گرفت. در سال ۲۰۰۲ ارزش افزوده بخش تولیدات کفش و کیف و چرم به ۱۱ میلیارد دلار رسید. بیش از ۷۹ درصد از مجموع شرکت‌های صنعتی این کشور را که جزو ۷ کشور صنعتی جهان است، واحدهای کوچک و متوسط و خانگی تشکیل می‌دهد و در زمینه اشتغال ۸۷ درصد از کل نیروهای شاغل در بخش صنعت و ۶۱ درصد از نیروهای شاغل در بخش‌های غیرصنعتی را شرکت‌ها و واحدهای کوچک و خانگی تشکیل داده‌اند (همان منبع).

نقطه جهش اقتصاد تایوان، پس از جدایی این کشور از چین (بر مبنای شعار هر خانه، کارخانه و هر کارخانه ، خانه است) از کسب و کارهای خانگی آغاز شده است و امروزه این شکل از فعالیت اقتصادی با بیش از ۸۰ درصد از اقتصاد این کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم رابطه دارد. علل موفقیت این کشور به طور خلاصه چنین می‌باشد:

- به کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک به خصوص تولیدات خانگی و بهره‌گیری از آخرین پدیده‌های فناوری
- اتخاذ راهکارها و راهبردهای توسعه صادرات تولیدات خانگی
- سیاست‌های حمایت در بازاریابی، بازارشناسی و تبلیغات در سطح جهانی

*. Prato

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

- توسعه همه‌جانبه توانمندی‌های فنی و تکنولوژیکی از طریق برنامه‌های اجرایی در سطح کلان کشور - استفاده از شیوه‌های آموزشی جدید و آخرین یافته‌های آموزشی برای افزایش مهارت‌های فنی و تکنولوژیکی نیروهای فنی شاغل در منازل

- تشویق و ترغیب کارآفرینان خانگی (Home Based Entrepreneurship) به استفاده از تکنیک‌های نوآوری و خلاقیت‌های تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد یا افزایش چشمگیر کیفیت تولیدات.

- تأمین نیازهای مالی و اعتباری از طریق تعدیل سیاست‌های پولی و مالی برای تأمین نیازهای مالی و امثال آن برای تولیدات خانگی.

- بازنگری درمورد سیاست‌های مالیاتی، محدودیت‌های بازرگانی، صادراتی و قوانین حقوقی (مخبریان‌فر، ۱۴۰۰).

در کشور آمریکا ۲/۴۳ میلیون نفر به صورت پاره وقت و ۷/۱۲ میلیون نفر به صورت تمام وقت در خانه به کسب درآمد می‌پردازند و این رقم ۲۰ درصد کل شاغلین این کشور را تشکیل می‌دهد. همچنین در این کشور به طور میانگین در سال ۱۹۹۹ این نوع کسب و کارها ، ۳۰ درصد کسب و کارهای کوچک و متوسط را شامل می‌شود که در حال حاضر به حدود ۵۲ درصد رسیده است. در آمریکا سازمانی به نام اداره کسب و کار کوچک (Small Business Administration) وجود دارد که مساعدت‌های مالی و اعتباری دولت فدرال را به این واحدها ارائه می‌کند. این مساعدت‌ها فقط به کمک‌های مالی و اعتباری ختم نمی‌شود بلکه وزارت بازرگانی این کشور دفاتر خاصی دارد که از طریق آن‌ها اطلاعات مورد نیاز کسب و کارهای خانگی و کوچک درباره بازارهای داخلی و خارجی را در اختیارشان قرار می‌دهد (قیصری و همکاران، ۱۳۹۴).

در استرالیا ۶ تا ۷ درصد شاغلین این کشور در بخش کسب و کارهای خانگی، مشغول به فعالیت هستند که به طور متوسط سالانه بیش از ۸۰ هزار دلار فروش دارند که پس از کسر مالیات در حدود ۲۵ درصد سود می‌برند. همچنین در این کشور هم اکنون ۶۸۰ هزار واحد در بخش مشاغل خانگی به تولید و فعالیت مشغولند (همان منبع).

کشور چین نیز با بهره گرفتن از این مدل، برای کاهش قیمت تمام شده و کسر هزینه‌های سربار بخشی از تولید یا تمام فرآیند تولید کالاهای ساخته شده را با بهره گرفتن از این شکل از فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد. دولت این کشور نقش محوری در توسعه تولیدات خانگی داشته است. در این کشور نهادهای متعددی وجود دارد که خدمات بسیار گسترده‌ای را در رابطه با بهره‌برداری بهینه از فناوری، آموزش نیروی کار، دسترسی به اطلاعات و سازماندهی کنسرسیوم‌های بازاریابی به کسب و کارهای خانگی ارائه می‌کنند. جامع‌ترین مدل‌های ساماندهی و سازماندهی کسب و کارهای خانگی و کارآفرینی خانوادگی در دنیا توسط کشور چین طراحی و اجرا شده است و هم اکنون بیش از ۳۱ درصد محصولات این کشور در حوزه کسب و کار خانگی طراحی و تولید می‌شوند.

موضوع بازاریابی و فروش محصولات و خدمات کسب و کار خانگی در مدل‌هایی که هم اکنون در این کشور اجرا می‌شود به خوبی حل شده است و علاوه بر بازارهای منطقه‌ای و ملی، بازارهای بین‌المللی مناسبی برای عرضه و فروش محصولات ناشی از این نوع کسب و کار فراهم شده است. فرهنگ‌سازی و نهادسازی و آموزش از اساسی‌ترین اقدامات این کشور برای ترویج و توسعه کسب و کار خانگی و کارآفرینی خانوادگی می‌باشد و علاوه بر آن تخصص و توانایی بخش غیردولتی این کشور در خوشه‌سازی و ایجاد پیوندهای محکم بین خوشه‌ها و طراحی شبکه‌های جامع کسب و کار خانگی نیز از اقدامات ستایش برانگیزه این کشور است. در مدل جامع توسعه کسب و کارهای خانگی و کارآفرینی خانوادگی این کشور شرکت‌های مادر تخصصی موضوعی ساماندهی و سازماندهی شده‌اند که در قالب خوشه‌های کسب و کار، کارگاه‌های خانگی را مدیریت می‌نمایند. هم‌اکنون کمتر از ۸ درصد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

کارگاه‌های خانگی در این کشور به صورت جزیره‌ای و منفک فعالیت می‌نمایند. (ترجمه گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران ۱۴۰۰).

هم اکنون کسب و کارهای خانگی در ایران با هماهنگی سازمان‌های حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر در حال اجراست. بنا بر گزارش مشترک کمیته امداد امام‌خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور روش‌های متداول آن‌ها برای حمایت از کسب و کارهای خانگی عبارتند از الف: حمایت از زنان سرپرست خانوار و معلولین و سایر گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی در قالب راه‌اندازی کارگاه‌های خوداشتغالی خانگی در حوزه‌های کشاورزی، صنایع دستی و خدمات فناوری اطلاعات که هم اکنون بیش از ۸۳ درصد اشتغال یافتگان خانگی به این شیوه حمایت می‌شوند (گزارش عملکرد کمیته امداد امام‌خمینی (ره) ۱۳۸۸/۰۵/۰۲). ب: حمایت از انجمن‌ها، تشکل‌ها، گروه‌های همیار، انجمن‌های خودیار، تعاونی‌ها و خوشه‌های کسب و کار برای سازماندهی و ساماندهی کسب و کار خانگی به صورت شبکه‌ای که در این حالت معمولاً هر یک از تعاونی‌ها یا تشکل‌هایی که در حوزه کارآفرینی و اشتغال دارای صلاحیت هستند نسبت به شناسایی، استعدادیابی، آموزش، مشاوره، تأمین مواد اولیه و ابزار کار، نظارت بر فرآیند تولید محصول یا خدمت، استانداردسازی محصول یا خدمت و بازاریابی و فروش محصولات و خدمات اقدام می‌نماید.

در ارتباط با نقش آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای بر راه اندازی کسب و کارهای خانگی تحقیقات گسترده‌ای در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که در ادامه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد. اولوواشی و همکاران*(۲۰۲۳) در مقاله‌ای به بررسی شکاف عملکردی ناشی از جنسیت در فعالیت‌های کارآفرینانه در نمونه‌ای بزرگ برگرفته از تعداد ۶۰۰۰۰۰ کسب و کار کوچک در آمریکا پرداخته‌اند. نتیجه بررسی آن‌ها نشان داد که حمایت از کسب و کارهای کوچک با مالکیت زنان باعث افزایش قابل توجه‌ای در کارایی اقتصادی نسبت به کسب کارهای کوچک با مالکیت مردان می‌گردد. مرادحاصلی و همکاران†(۲۰۲۳) در پژوهشی با هدف کشف راهکارهای توانمندسازی زنان روستایی ایران به بررسی عوامل موثر بر این موضوع پرداختند. نتایج حاصله نشان داد که آموزش، تسهیلات بانکی و عوامل اقتصادی به عنوان شرایط مسبب و همچنین ویژگی‌های فردی، حمایت خانواده، فرهنگ و محیط کار به عنوان عوامل مداخله‌گر در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی جامعه ایران نقش بسیار مهمی دارند که می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل توجهی را در سطح فردی و اجتماعی به همراه داشته باشد. جاویدنیا و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان " عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت آموزی در بخش مشاغل خانگی: مطالعه موردی در شهرستان گرمسار " با انتخاب ۵۰ نفر از متقاضیان مهارت آموزی به صورت تصادفی ساده و استفاده از ضریت همبستگی اسپیرمن به این نتایج دست یافتند که رابطه معناداری میان نیاز اقتصادی، افزایش استقلال و نگرانی از آینده با گرایش به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی وجود دارد که عامل رفع نیازهای اقتصادی، مهم‌ترین عامل در گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی است. پفاژ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان " تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان " با پژوهش کاربردی و طرح آزمایشی مقدماتی، جامعه مورد مطالعه (کل زنان شاغل در مشاغل خانگی در استان گلستان که حداقل یکی از دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی را گذرانده باشند) را با تعداد نمونه ۲۲۳۷ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای بر اساس جدول گرجسی و مورگان بررسی نمودند. نتایج بدست آمده از پژوهش مشخص گردید که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی ارائه شده در سه حوزه

* . Oluwasheyi et al, (2023)
† . Moradhaseli et al, (2023).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

خدمات، صنعت و کشاورزی بر بهبود شاخص‌های کسب و کار، مشتمل بر ملاک‌های دانش، شایستگی و مهارت، مدیریت و بهره‌وری، نگرش، ایمنی و توجهات محیطی، ارتباطات و اقتصاد تأثیر داشته است. افروزمنش و شمسایی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت آموختگان " به مطالعه و پژوهش پرداختند. هدف پژوهش نشان دادن تصویری از وضعیت اشتغال مهارت آموختگان سازمان با توجه به میزان اشتغال آنان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه اصلی پژوهش یعنی " آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت آموختگان تأثیرگذار است " تأیید شده است بدین معنی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت آموختگان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و همچنین از میان عواملی که منجر به عدم اشتغال مهارت آموختگان شده است (کمبود فرصت شغلی، پایین بودن دستمزد، ضعف آموزش‌های مهارتی، عدم رغبت به شغل پیشنهادی و عدم سرمایه کافی) عامل کمبود فرصت شغلی نقش بیشتری داشته است. تقی‌پور (۱۳۹۸) در پژوهشی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توسعه مشاغل خانگی زنان با طراحی یک مدل مفهومی و یک پرسشنامه برای سنجش متغیرهای پژوهش اقدام و با توزیع پرسشنامه بین نمونه‌ها و انتخاب ۳۸۴ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و استفاده از آزمون مدل و فرضیات از مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (PLS – SEM) اقدام نمود. در نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل مفهومی و رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان داد که فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته شده است بدین معنی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کسب و کارهای خانگی تأثیر مثبت و معناداری دارد. گرجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان " تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان در راستای کاهش شکاف جنسیتی در ایران " با گردآوری اطلاعات و تحلیل به وسیله نرم‌افزار SPSS و آزمون T نتایج حاکی از آن است که توانمندسازی زنان خانه‌دار در نتیجه آموزش‌های مهارتی، موجب راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک خانگی، ایجاد اشتغال و کارآفرینی و مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان شده است که علاوه بر افزایش عزت نفس در ایشان، موجب کاهش شکاف جنسیتی خواهد شد. معمایی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان " تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان جهت نیل به توسعه شهر پایدار " با گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه که روایی آن توسط کارشناسان و پایایی آن به وسیله فرمول آلفای کرونباخ تأیید گردیده بود و یافته‌ها در نرم‌افزار SPSS و آزمون T تحلیل و نتایج حاکی از آن بود که آموزش‌های مهارتی توانسته است سهم زیادی در توانمندسازی زنان خانه‌دار و همچنین اشتغال آنان در کسب و کارهای کوچک خانگی داشته باشد. مولایاری و فراهانی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان " کارآفرینی و کسب و کار خانگی (شهری و روستایی) " با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تحلیل داده‌ها نتیجه گرفت که کسب و کار خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصول یا خدمات، رفع محدودیت‌ها، رفع بیکاری جوانان و... موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور می‌شود. همچنین برای جوانان، زنان (خصوصاً خانه‌دار) کسب و کارهای خانگی شروع مناسبی برای راه‌اندازی کسب و کار شخصی و ثروت آفرینی است. با توجه به توضیحات ارائه شده و همچنین مطالعات انجام گرفته در زمینه نقش آموزش‌های مهارتی بر خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی بانوان، شکل شماره ۱، مدل مفهومی تحقیق را نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای مورد استفاده عبارتند از: خلق کارآفرینانه کسب و کار خانگی، آموزش‌های مهارتی، اقتصاد محلی و جنسیت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳) روش تحقیق

مطالعه شرایط ساکنین (بانوان) روستاها و محلات کم برخوردار شهرستان دامغان، می‌تواند اطلاعات جامعی درباره میزان تاثیرگذاری آموزش‌های مهارتی بر راه اندازی کسب و کارهای خانگی بانوان ارائه نماید و با توجه به اینکه این آموزش‌ها مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی است باید به دنبال شناخت مهارت‌های مورد نیاز بانوان این روستاها به منظور ورود به بازار کار بود تا به نحو مناسب از منابع استفاده شود و موجب هدر رفت آنها نگردد. این تحقیق از بعد هدف، کاربردی و از بعد نحوه گردآوری اطلاعات به شیوهٔ پیمایشی است. جامعه مورد نظر بانوان متقاضی مهارت‌آموزی در روستاهای شهرستان دامغان می‌باشند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده گردیده است که سوالات پرسشنامه شامل دو قسمت است:

۱- سوالات عمومی: در سوالات عمومی سعی شده است اطلاعات کافی و جمعیت شناختی در رابطه با پاسخ دهندگان جمع‌آوری گردد. این بخش شامل ۳ سوال (سن، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال) است.

۲- سوالات تخصصی: این بخش شامل ۲۷ سوال است. در طراحی این قسمت سعی گردیده است که سوالات پرسشنامه تا حد ممکن قابل فهم باشد. برای طراحی این بخش از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده گردیده است.

پرسشنامه‌ها در بین متقاضیان مهارت‌آموزی در روستاها توزیع و پس از تکمیل، اطلاعات توسط نرم‌افزار و با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، جداول، شکل فراوانی) و آمار SPSS آماری استنباطی (آزمون T) مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. برای بررسی پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری اعتمادپذیری و یا پایائی پرسش نامه‌هاست. منظور از اعتبار یا پایایی پرسشنامه این است که اگر صفت‌های مورد سنجش با همان وسیله و تحت شرایط مشابه و در زمان‌های مختلف مجدداً اندازه‌گیری شوند، نتایج تقریباً یکسان حاصل می‌شود (Zumbo et al., 2007: 6).

محدوده جغرافیایی مورد نظر در این مطالعه روستاها و محلات کم برخوردار شهر دامغان از توابع استان سمنان می‌باشد(شکل ۲). شهرستان دامغان یکی از شهرستان‌های استان سمنان بوده که حداقل طول شرقی جغرافیایی آن ۵۳ درجه و ۴۲ دقیقه وحداقل عرض شمالی جغرافیایی آن ۲۴ درجه و ۱۵ دقیقه است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۳۰ متر است. شهرستان دامغان از شمال با استان مازندران، از جنوب با استان اصفهان، از شرق با شهرستان شاهرود و از سمت غرب با شهرستان سمنان و شهرستان مهدی‌شهر همسایه است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

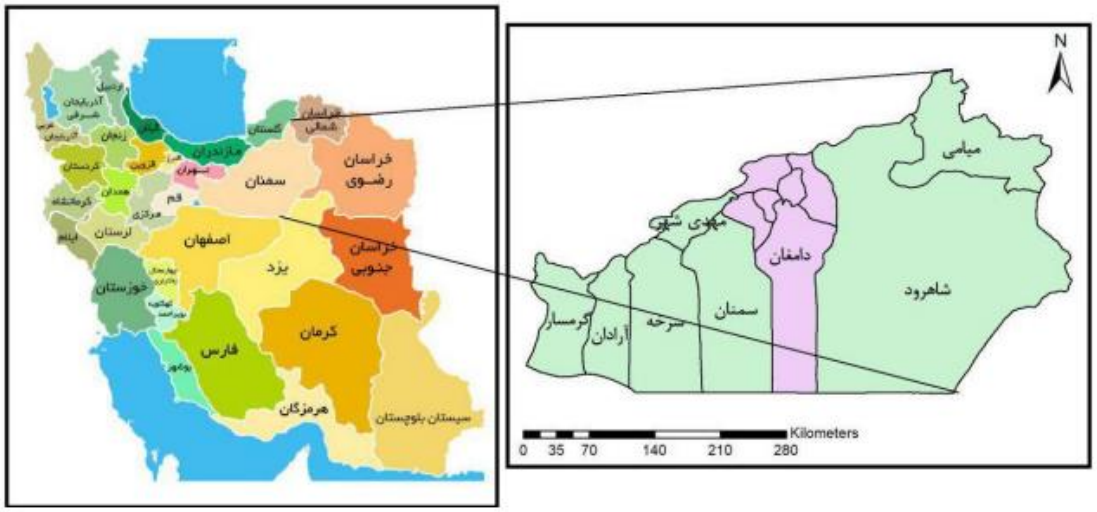

شکل ۲. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

بررسی مشخصات اعضای نمونه

از کل جامعه آماری مورد بررسی این تحقیق که عبارت است از بانوان روستایی شهرستان دامغان، تعداد ۱۴۶ پرسشنامه معتبر جمع‌آوری گردیده در ادامه به توصیف مشخصات آماری جامعه مورد تحقیق می‌پردازیم.

اطلاعات و وضعیت سن پاسخ دهندگان

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده بیشترین پاسخ دهنده مربوط به گروه‌های سنی بین ۲۶ تا ۴۵ سال با تعداد ۶۶ نفر (۴ درصد) و کمترین تعداد پاسخ دهنده مربوط به گروه سنی کمتر از ۱۵ سال با تعداد ۳ نفر (۲ درصد) می‌باشد(جدول ۱ و شکل ۳).

جدول ۱. اطلاعات مربوط به سن پاسخ دهندگان

سن	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۱۵ سال	۳	۰/۰۲
۱۵ تا ۲۵ سال	۴۶	۰/۳۲
۲۶ تا ۴۵ سال	۶۶	۰/۴۵
بالاتر از ۴۵ سال	۳۱	۰/۲۱
مجموع	۱۴۶	۱/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

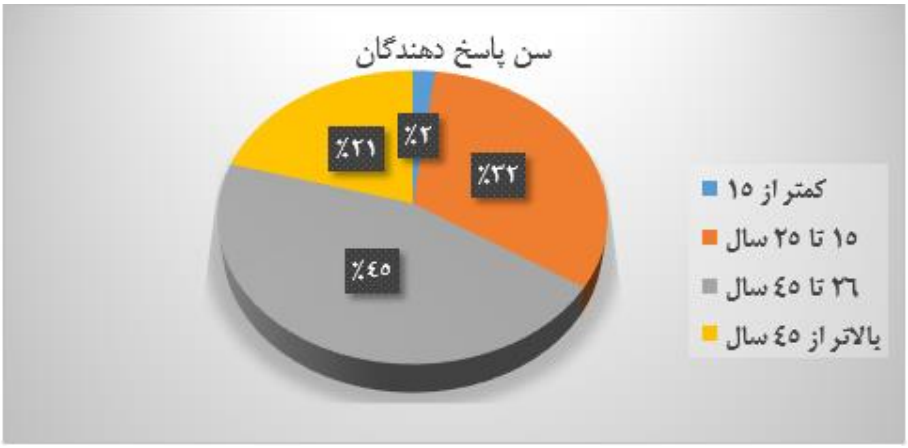

شکل ۳. وضعیت سن پاسخ دهندگان

وضعیت سطح تحصیلات پاسخ دهندگان

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده از تعداد ۱۴۶ پاسخ دهنده، بیشترین تعداد پاسخ دهنده مربوط به وضعیت تحصیلی لیسانس با ۵۲ نفر (۳۷ درصد) و کمترین تعداد پاسخ دهنده مربوط به وضعیت تحصیلی زیر دیپلم با ۱۱ نفر (۷ درصد) می‌باشد (جدول ۳ و شکل ۴).

جدول ۳. اطلاعات مربوط به تحصیلات پاسخ دهندگان

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
زیر دیپلم	۱۱	۰/۰۶
دیپلم	۴۳	۰/۲۹
فوق دیپلم	۲۷	۰/۱۹
لیسانس	۵۲	۰/۳۷
فوق لیسانس و بالاتر	۱۳	۰/۰۹
مجموع	۱۴۶	۱/۰۰

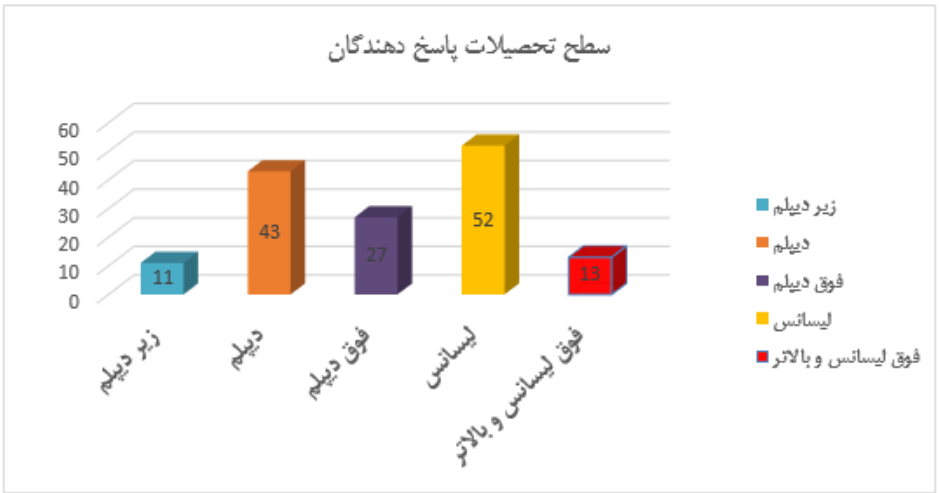

شکل ۴. وضعیت سطح تحصیلات پاسخ دهندگان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

اطلاعات و وضعیت اشتغال پاسخ دهندگان

پالایش داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس جدول شماره ۴ و شکل شماره ۵ نشان می‌دهد که از تعداد ۱۴۶ پاسخ دهنده، بیشترین تعداد پاسخ دهنده مربوط به وضعیت اشتغال بیکار با ۹۶ نفر (۶۶ درصد) و کمترین تعداد پاسخ دهنده مربوط به وضعیت اشتغال تمام وقت با ۸ نفر (۵ درصد) می‌باشد.

جدول ۴ . اطلاعات مربوط به اشتغال پاسخ دهندگان

اشتغال	فراوانی	درصد فراوانی
بیکار	۹۶	۰/۶۶
تمام وقت	۲۴	۰/۱۷
پاره وقت	۸	۰/۰۵
مشاغل خانگی	۱۸	۰/۱۲
مجموع	۱۴۶	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

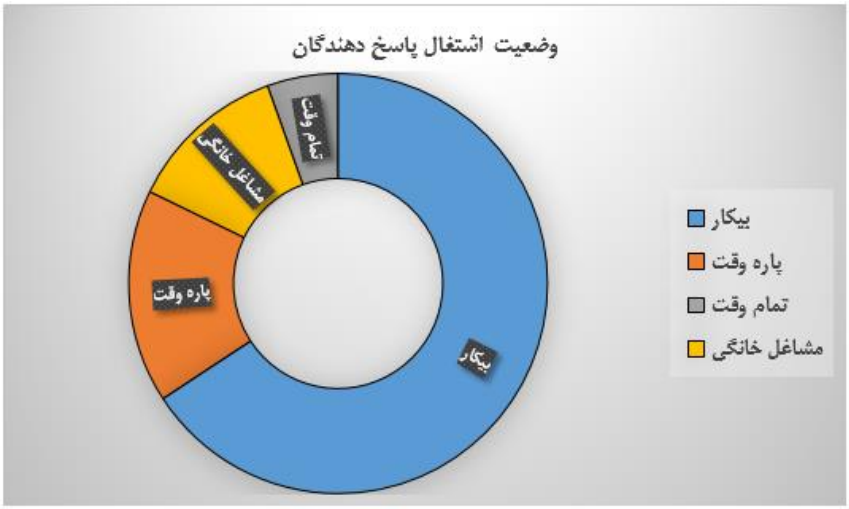

شکل ۵ . وضعیت اشتغال پاسخ دهندگان

پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی : آموزش‌های مهارتی موجب کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی بانوان روستایی شهرستان دامغان می‌شود.

جدول شماره ۵ نتایج آزمون T را ارائه می‌کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار میانگین نمونه (۳/۰۹) از میانگین فرضی طیف پاسخ‌ها (۳) بزرگتر است و مقدار sig برابر ۰/۰۳۱ می‌باشد. از آنجایی که مقدار sig کوچکتر از ۵ درصد است، فرضیه H0 رد می‌شود و ادعای برابری میانگین با ۳ رد می‌شود. بنابراین فرضیه اصلی پذیرفته می‌شود. لذا می‌توان انتظار داشت آموزش‌های مهارتی بر کارآفرینی و راه اندازی کسب و کارهای خانگی بانوان در روستاهای شهرستان دامغان می‌تواند بر خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی توسط بانوان مناطق روستایی شهرستان دامغان موثر واقع شود. فاصله اطمینان ۹۵ درصدی نمونه بین ۰/۰۱ و ۰/۱۶ می‌باشد، از آنجایی که حد پایین و حد بالا مثبت می‌باشد، بنابراین میانگین از مقدار مورد آزمون (۳) بزرگتر است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه اصلی

مولفه	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلاف میانگین نمونه	
						حد پایین	حد بالا
آموزش‌های مهارتی	۳/۰۹	۰/۴۷۹	۲/۱۸۴	۱۴۵	۰/۰۳۱	۰/۰۱	۰/۱۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فرضیه فرعی ۱ : بانوان روستایی شهرستان دامغان برای آموزش‌های مهارتی اشتغالزا آمادگی لازم را دارند.

جدول شماره ۶ نتایج آزمون T را ارائه می‌کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار میانگین نمونه (۳/۱۶) از میانگین فرضی طیف پاسخ‌ها (۳) بزرگتر است و مقدار sig برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد. از آنجایی که مقدار sig کوچکتر از ۵ درصد است ، H0 رد می‌شود و به عبارتی ادعای برابری میانگین با ۳ رد می‌شود. بنابراین، فرضیه فرعی ۱ پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان انتظار داشت که بانوان روستایی شهرستان دامغان برای آموزش‌های مهارتی اشتغالزا به منظور خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی آمادگی لازم را دارند. فاصله اطمینان ۹۵ درصدی نمونه بین ۰/۰۷ و ۰/۲۴ می‌باشد. از آنجایی که حد پایین و حد بالا مثبت می‌باشد، بنابراین میانگین از مقدار مورد آزمون (۳) بزرگتر است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه فرعی ۱

مولفه	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلاف میانگین نمونه	
						حد پایین	حد بالا
بانوان روستایی	۳/۱۶	۰/۵۱۲	۳/۶۷۹	۱۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۷	۰/۲۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فرضیه فرعی ۲ : مهارت آموزی بانوان روستایی شهرستان دامغان موجب بهبود وضعیت شغلی آنان می‌شود.

جدول شماره ۷ نتایج آزمون T را ارائه می‌کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار میانگین نمونه (۳/۳۵) از میانگین فرضی طیف پاسخ‌ها (۳) بزرگتر است و مقدار sig برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد. از آنجایی که مقدار sig کوچکتر از ۵ درصد است ، H0 رد می‌شود و ادعای برابری میانگین با ۳ رد می‌شود. بنابراین ، فرضیه فرعی ۲ پذیرفته می‌شود و می‌توان انتظار داشت که مهارت‌آموزی بانوان روستایی شهرستان دامغان موجب بهبود وضعیت شغلی آنان در راستای خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی گردد. فاصله اطمینان ۹۵ درصدی نمونه بین ۰/۲۶ و ۰/۴۵ می‌باشد. از آنجایی که حد پایین و حد بالا مثبت می‌باشد، بنابراین میانگین از مقدار مورد آزمون (۳) بزرگتر است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه فرعی ۲

مولفه	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلاف میانگین نمونه	
						حد پایین	حد بالا
بهبود وضعیت شغلی	۳/۳۵	۰/۵۷۲	۷/۴۳۷	۱۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶	۰/۴۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵) نتیجه‌گیری

مطالعات گسترده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که آموزش‌های مهارتی در تمامی کشورها بهترین و اثر بخش‌ترین نوع آموزش‌ها در توانمندسازی و مجهز ساختن افراد به فن، مهارت خاص و آماده نمودن آنان برای اشتغال در محیط کار واقعی می‌باشد. از آنجایی که اقشار آسیب‌پذیر معمولاً فاقد مهارت و شایستگی لازم جهت اشتغال به کار می‌باشند، توانایی احصاء هیچگونه پست شغلی و یا فعالیتی در بازار کار ندارند و در نتیجه به دلیل عدم تامین منابع مالی ممکن است در بعضی موارد دچار جرم شده و در نهایت صدماتی را به جامعه و خود وارد نمایند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شرایط کنونی برای اقتصاد و فرهنگ ایران و به ویژه شتاب‌دهی به فرآیند تولید امری حیاتی است. چراکه از ضرورت‌ها و الزامات رشد و توسعه اقتصادی، توسعه سرمایه‌های انسانی است. در این میان آموزش‌های فنی و همچنین نظام آموزشی برای ایجاد مهارت‌های لازم فنی و هنری نقش بسیار مهمی در تربیت نیروی انسانی کارآمد و علی‌الخصوص افزایش توان اقشار آسیب‌پذیر ایفا نموده و نگاهی توسعه‌ای دارد. رشد شهرنشینی در سال‌های اخیر مقوله‌ای است که همگام با فناوری بسط یافته و در این راستا برخی بافت‌های فرسوده و حاشیه‌ای نیز در روند موزون شهری متولد شده و حاصل برخی غفلت‌ها در مدیریت شهری بوده است. با عنایت به این موضوع که سکونتگاه‌های غیررسمی شهرها از دغدغه‌های جدی مسئولان و تصمیم‌سازان اجرایی و اجتماعی است، علاوه بر ناموزونی چهره شهرها، پیامدهای آسیب‌زا و معضل ایمن نبودن این سازه‌ها را با خود دارند. ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و رفع ناپایداری آن‌ها سال‌هاست که در کانون توجه تصمیم‌سازان و دولت‌های مختلف قرار دارد و از این منظر به عنوان چالش نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به آن پرداخته شده است. راهبردهای بازآفرینی شهری منحصر به ساخت و ساز و اقدامات عملیات ساختمانی نیست بلکه اقدامات نرم افزاری، ترویجی و ایجاد مشارکت عمومی در اولویت قرار دارد. برنامه‌های بازآفرینی شهری به صورت مشخص در زمینه توانمندسازی جامعه هدف، آموزش و بالا بردن سطح آگاهی عمومی، مشارکت‌جویی مردم در برنامه‌های اصلاحی و بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و خدماتی به صورت پررنگ وارد شده است. توانمندسازی افراد در این مناطق از تمامی جهات فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و آموزشی مهم است چرا که هر جامعه‌ای با مشارکت درون گروهی می‌تواند آسیب‌ها و کاستی‌هایش را ترمیم کند. بهبود مولفه‌های رفاهی و اجتماعی زندگی ساکنان مناطق روستایی و بافت‌های فرسوده و تقویت سواد فرهنگی و مهارتی در کنار مشارکت جویی آنان در امور خود به صورت هدفمند در برنامه‌های بازآفرینی شهری و سند سکونتگاه‌های غیررسمی دیده شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

شایان ذکر است هدف از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توانمندسازی شغلی وحرفه‌ای افراد جویای کار در معرض آسیب‌های اجتماعی و افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوبتر کار در محدوده وظایف شغلی است. از آنجایی که موضوع بیکاری یکی از مهمترین مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را در ممانعت از توسعه دارد و با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در کشورها، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار و اقشار آسیب‌پذیر بوده و این عامل به عنوان محوری‌ترین مسئله در بروز پیامدهای حاصل از آسیب‌های اجتماعی و پیدایش جرم و بزه می‌باشد، انتظار می‌رود نقش آموزش‌های مهارتی در توانمندسازی، شکوفایی استعدادها جهت کارآفرینی متناسب با نیازهای بازار کار و به تبع آن کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری پررنگ‌تر گردد. ارائه آموزش‌های مناسب و هدفمند بسیار حائز اهمیت بوده و جهت ایجاد اشتغال و فراهم‌سازی اشتغال پایدار و مولد، ارائه دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای بسیار کارساز خواهد بود.

به طور کلی در این پژوهش با هدف اصلی اثر آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای بر خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی توسط بانوان روستایی و محلات کم برخوردار شهرستان دامغان، ابتدا به جمع‌آوری و مرور ادبیات و پیشینه‌های مرتبط با موضوع پرداخته و بر اساس چارچوب نظری و پیشینه، یک پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده‌ها تنظیم و در بین جامعه مورد نظر توزیع گردیده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که آن است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر خلق کارآفرینانه کسب و کارهای خانگی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد که این نتیجه با نتایج حاصل از پژوهش‌های معمایی و همکاران (۱۴۰۰)، تقی‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، افروزمنش و شمسایی (۱۳۹۳)، پفاژ و همکاران (۱۳۹۳) و آگهی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که توسعه کسب و کارهای خانگی در کشور (به ویژه در روستاها و محلات کم برخوردار) با موانع و چالش‌های متعددی مواجه می‌باشند که بر این اساس و در راستای رفع مشکلات و چالش‌های موجود و در نتیجه توسعه مشاغل خانگی بانوان و گسترش آموزش‌های مهارتی، راهکارها و پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- توجه سیاست‌گزاران خصوصاً در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به مقوله استانداردها و فراهم کردن بستر انگیزشی نسبت به راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی و حمایت‌های مختلف از آن و ترویج این آموزه‌ها در سطح آمایش سرزمین؛
- فراهم ساختن بستر مناسب برای شناسایی و طبقه‌بندی کسب و کارهای خانگی بر اساس گستردگی و تنوع آن در سطح روستاها و مناطق کم برخوردار و رونق بخشی به تحرک محصولات آن؛
- پررنگ‌تر نمودن سیاست واگذاری خدمات و ترغیب کارآفرینی و آموزش‌های لازم خصوصاً در موضوعات کارآفرینان مستقل و خانگی و کسب و کارهای کوچک توسط دولت؛
- معرفی بازاریاب‌های موفق جهت خرید و فروش محصولات به بالاترین و بهترین قیمت به زنان کارآفرین در روستاها و محلات کم برخوردار؛
- حضور مشاوران و بازاریابان در کارگاه‌های کسب و کار خانگی بانوان در راستای ارائه خدمات مشاوره‌ای به منظور تولیدات و فروش محصولات مورد نیاز بازار؛
- حمایت دولت در توسعه انواع پوشش‌های بیمه‌ای برای کارآفرینان کسب و کارهای خانگی؛ و
- گنجاندن آموزش‌های مهارتی در دروس آموزشی کشور از مقطع دبیرستان تا پایان تحصیلات تکمیلی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

۶) منابع

- امامی‌میبدی، علی، (۱۳۸۳)، **بازار کار ایتالیا و زمینه‌های فرستادن نیروی کار به آن کشور**، فصلنامه اطلاعات سیاسی – اقتصادی، سال ۱۸، شماره ۳۷، صص ۲۰۴-۲۱۳.
- افروزمنش، افسانه و شمسایی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، **بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت آموختگان**، نشریه مهارت‌آموزی، سال ۳، شماره ۹، صص ۵۵ – ۶۵.
- امیدی، سجاد و چهارسوقی امین، حامد، (۱۳۹۷)، **نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۲۳، صص ۱۶۷-۱۸۱.
- آگهی، حسین، میرک‌زاده، علی‌اصغر و تقی‌بیگی، معصومه، (۱۳۹۳)، **بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام آباد غرب**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۴، شماره ۲، صص ۲۸۳-۳۱۰.
- باقرصاد، وجیه، داوری، علی و فرخ‌منش، ترانه، (۱۴۰۱)، **هدف‌گرایی، امکان‌گرایی و عملکرد کسب و کارهای کارآفرینانه**، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران، سال ۲۶، شماره ۱، صص ۸۸-۱۱۰.
- پفاژ، ابراهیم، عنایتی، ترانه و محبوبی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، **تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان**، فصلنامه مهارت‌آموزی، سال ۳، شماره ۲، صص ۷-۲۴.
- **تقی‌پور، سروگل**، (۱۳۹۸)، **بررسی تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توسعه مشاغل خانگی زنان**، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال ۴ ، شماره ۱۶، صص ۴۳-۵۸.
- تقی‌پور، علی‌اکبر، مطلبی‌نژاد، فاطمه و احمدی دهرشید، پارسا، (۱۴۰۱)، **تحلیل جنسیتی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی روستایی با تأکید بر دیدگاه زنان (مورد مطالعه: بخش امیرآباد شهرستان دامغان)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص ۷۷-۱۰۶.
- جاویدنیا، کوروش و جاویدنیا، مجتبی، (۱۳۹۱)، **عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی: مطالعه موردی در شهرستان گرمسار**، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۴۵-۱۶۷.
- جوادیان‌لنگرودی، محبوبه و کامرانی، محمد، (۱۳۹۳)، **لزوم نوآوری در کارآفرینی سازمانی**، اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، شناسه ملی مقاله: EMASS01_179.
- خالدی، محمد و رفعتی، محسن، (۱۳۹۱)، **مقایسه اثر بخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اقتصاد و توسعه کسب و کار**، فصلنامه مهارت‌آموزی، سال ۱، شماره۱، صص ۷۱-۸۵.
- خواجه‌شاهکویی، علیرضا، عباسی، مصیب و خوش‌فر، غلامرضا، (۱۳۹۱)، **بررسی میزان اثر بخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال نیروهای آموزش دیده استان گلستان**، فصلنامه مهارت‌آموزی، سال ۱، شماره ۱، صص۱۰۳-۱۱۶.
- دولت‌آبادی، سروه، شیخ الاسلامی، صبا و شیرمحمدی، محمدناصر، (۱۳۹۲)، **ارزیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با استفاده از رویکرد تحلیل عوامل استراتژیک:(SWOT) مطالعه موردی استان کردستان**، فصلنامه مهارت‌آموزی، سال ۲، شماره ۶، صص ۵۹-۷۳.
- علی‌بیگی، امیرحسین و تقی‌بیگی، معصومه، (۱۴۰۱)، **تأثیر قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی بر توانمندسازی آنها: مورد مطالعه، استان کرمانشاه**، نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، سال ۸، شماره ۳۶، صص ۱۹-۴۴.
- قیصری، وحید، طالبی، کامبیز و ایمانی‌پور، نرگس، (۱۳۹۴)، **نقش تفکر کارآفرینانه بر راهبردهای رشد در کسب و کارهای کوچک و متوسط**، نشریه توسعه کارآفرینی، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۹۵ – ۲۱۴.
- گرجی‌زاده، فریبا و یعقوبی ساردو، رضا، (۱۳۹۸)، **تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان در راستای کاهش شکاف جنسیتی در ایران**، سومین کنگره بین‌المللی علوم و مهندسی. شناسه مقاله: GERMANCONF03_119.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]

- مجیدی، جهانگیر، (۱۳۸۲)، **کارآفرینی در کشورهای اروپایی با تاکید بر ایتالیا**، مجله سیاسی، اقتصادی روزنامه اطلاعات، ۱۱-۱۹.
- مقصودی، فرشته، (۱۳۹۳)، **نقش آموزش‌های فنی حرفه‌ای در اقتصاد کشور و توسعه کسب و کار**، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، سال ۲۲، شماره ۱۷۳، صص ۴۰-۴۷.
- معمایی، ندا، ملامحمدی، مجید و یعقوبی ساردو، رضا، (۱۴۰۰)، **تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان جهت نیل به توسعه شهر پایدار**، دهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و توسعه، شناسه مقاله: GERMANCONF03_119.
- مولایاری، محمدحسین و فراهانی، یوسف، (۱۴۰۰)، **کارآفرینی و کسب و کار خانگی (شهری و روستایی)**، پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات جهانی در علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی، شناسع ملی مقاله: CNCCONF05_022
- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، (۱۴۰۰)، **ترجمه گزارشی بهبود محیط کسب و کار در چین**، پایگاه خبری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- مخبریان‌فر، مصطفی، (۱۴۰۰)، **هر خانه یک کارخانه**، تهران: انتشارات: آوای چلچله.
- نجفی، بهمن و صفا، لیلا، (۱۳۹۳)، **بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آنها در مناطق روستایی**، نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، سال ۱، شماره ۲، صص ۶۱-۷۳.
- یعقوبی‌ساردو، رضا، منتظری، شایان، جزینی‌زاده، اکرم و رحیمی، فردوس، (۱۳۹۵)، **تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تکیه بر اقتصاد کوچک خانگی بر اشتغال زنان و بهبود کیفیت تولیدات داخلی در راستای تحقق شعار اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: شهرستان کهنوج)**، فصلنامه مهارت‌آموزی، سال ۴، شماره ۲، صص ۷-۲۱.
- Karimi, S., Molamirzaei, E. and R. Movahedi, 2016, **The Impact of Entrepreneurship Education and its Benefits on Entrepreneurial Intention of Agricul Tural Students in West Iran Universities**, Journal of Agricultural Education Administration Research, 8(38), 51 – 56.
- Moradhaseli. S., Taei, P., Karimi, H., Hajialiany, S., and Norouzi, A., 2023, **Designing an economic empowerment model for self-employed women under the MENARID project in Iran**, SN Business & Economics, 206(3).
- Mupinga, D., Burnett, M. and D. Redmann, 2005, **Examining the Purpose of Technical Education in Zimbabwes High Schools**, International Education Journal, 6(1), 75-83.
- Martin, B., Jeffrey J., M. and Michael J. Kay, 2013**, Examining the Formation of Human Capital in Entrepreneurship: A Meta – Analysis of Entrepreneurship Education Outcomes**, Journal of Business Venturing , 28(2), 211 – 2240.
- Oluwasheyi, O., Katarzyna, P., and Hyoung, S., 2023, **Female Entrepreneurs Managing from Home,** Journal of Small Business Economics, 61, 447-464.
- Tipple , G., 2006, **Employment and Work Conditions in Home Based Enterprises in Four Developing Countries: Do they constitute 'decent work?** Journal of Employment and Society, 20(1): 167-179.
- Zumbo B., Gadermann A., and C. Zeisser, 2007, **Ordinal Versions of Coefficients Alpha and Theta for Likert Rating Scales**, Journal of Modern Applied Statistical Methods. 6(1), 1-5.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.2.2]